

شناسایی یک راوی مشترک

بررسی رجالی غیاث بن ابراهیم و حضور او در سند احادیث شیعه و اهل سنت

اعظم فرجامی *

چکیده

راویانی با اسامی مشترک همواره در بین سند احادیث شیعه و اهل سنت یافت می‌شوند؛ اما این‌که کدام یک از این راویان مشترک دارای یک هویت هستند، به بررسی، پژوهش و گردآوری قراین و شواهد تاریخی نیازمند است. غیاث بن ابراهیم یکی از راویانی است که نام او در کتاب‌های رجالی و حدیثی شیعه و اهل سنت وجود دارد و در هر یک از دو مکتب با اوصاف متفاوتی معرفی می‌شود. از این‌رو، برخی غیاث بن ابراهیم را نام دو راوی متمایز می‌دانند. این پرسش، در بررسی اسناد، درباره او مطرح بوده که آیا راوی توصیف شده در مکتب اهل سنت در اسناد احادیث شیعه نیز حضور دارد و آیا در اساس، این دو راوی یکی هستند؟ در این پژوهش با بررسی شاگردان و راویان غیاث بن ابراهیم ذمی‌یابیم که او در اسناد حدیثی هر دو فرقه حضور دارد.

کلید واژه‌ها: رجال، راوی مشترک، غیاث بن ابراهیم.

۱. طرح مسأله

در ابتدای این پژوهش برای آشنایی با وضعیت و وصف رجالی غیاث بن ابراهیم گزارشی از اقوال و نظریات رجال‌شناسان درباره جرح و تعدیل و مذهب و اعتقادات این راوی ذکر شده و پس از آن، به پرسش‌ها و فرضیه‌های مطرح شده پرداخته می‌شود.

۱-۱. غیاث بن ابراهیم در کتاب‌های رجالی شیعه

نام غیاث بن ابراهیم به صورت مطلق و بدون هیچ لقب و کنیه‌ای در بسیاری از اسناد احادیث شیعه

وجود دارد. درباره وثاقت یا ضعف عقیده و مذهب این راوی بین رجالیان شیعه اتفاق نیست. برقی در شمار اصحاب امام صادق علیه السلام از غیاث بن ابراهیم نخعی با اوصاف عربی و کوفی یاد می‌کند.^۱ نجاشی غیاث بن ابراهیم تمیمی اُسَیدی و اهل بصره را - که ساکن کوفه بوده است - توثیق می‌کند و او را از راویان امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام برمی‌شمارد.^۲ شیخ طوسی، ذیل اصحاب امام باقر علیه السلام از غیاث بن ابراهیم بُثری^۳ مذهب^۴ و در گروه اصحاب امام صادق علیه السلام از غیاث بن ابراهیم تمیمی اسیدی - که از امام کاظم علیه السلام روایت کرده است - نام می‌برد.^۵ نیز در زمره کسانی که از ائمه علیهم السلام روایت ندارند، از این راوی با وصف «محمد بن یحیی خزاز از او روایت کرده است»، یاد می‌کند.^۶

برخی از رجالیان، همانند علامه حلی،^۷ ابن داود،^۸ اردبیلی،^۹ وحید بهبهانی^{۱۰} و جابلقی بروجردی^{۱۱} راوی را که نجاشی توثیق می‌کند، با راوی بتری مذهب یکی دانسته‌اند و برخی دیگر، همچون میرداماد،^{۱۲} محدث نوری^{۱۳} و مامقانی،^{۱۴} راوی تمیمی ثقه را جدای از راوی بتری مذهبی که از اصحاب امام باقر بوده برشمرده‌اند.

خوبی از جمله کسانی است که نسبت بتری مذهب بودن غیاث را نمی‌پذیرد و آن را از اشتباهات شیخ طوسی می‌داند. وی بر آن است که اقوال شیخ درباره غیاث متضاد است؛ زیرا با آن‌که روایت غیاث بن ابراهیم از ائمه علیهم السلام موجود است، شیخ وی را در گروه «من لم یرو عنهم» جای داده است. دیگر آن‌که ممکن نیست غیاث بن ابراهیم از یاران امام باقر علیه السلام باشد؛ در حالی که در طریق شیخ به کتاب این راوی، حَمَید (م ۳۱۰ق) و احمد بن محمد برقی (م ۲۷۴ق)، هر یک با یک واسطه تا غیاث قرار دارند و بعید است این دو تنها با واسطه یک راوی از یاران امام باقر علیه السلام نقل کنند، از این رو، خوبی

۱. الرجال، ص ۱۰۴، ش ۱۰۸۶.

۲. همان، ص ۳۰۵، ش ۸۳۳.

۳. این فرقه منشعب از زیدیه است که علی علیه السلام را به جهت فضیلتی مثل سبقت در اسلام، زهد، علم، شجاعت و... برترین مردم بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌دانند. بتری معتقدند چون علی علیه السلام خلافت خود را به ابوبکر و عمر واگذار کرده و بدون اجبار با آنها بیعت کرده است، امامت ابوبکر و عمر پذیرفتنی است، (ر.ک: مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۵۱).

۴. الرجال، ص ۱۴۲.

۵. همان، ص ۲۶۸. وی درباره این راوی تعبیر اسند عنه را نیز به کار می‌برد.

۶. همان، ص ۴۳۵. شیخ طوسی در الفهرست به غیاث بن ابراهیم، به طور مطلق و بدون عنوان یا لقبی، اشاره کرده و برای دو کتاب او سه طریق نقل می‌کند (همان، ص ۱۹۶).

۷. خلاصة الأقوال، ص ۳۸۵.

۸. الرجال، ص ۲۶۵. وی از غیاث بن ابراهیم تمیمی، بدون اشاره به توثیق نجاشی، یاد می‌کند و او را در شمار زیدیه نام می‌برد (همان، ص ۲۹۰).

۹. جامع الرواة، ج ۱، ص ۶۵۸.

۱۰. تملیقة علی منهج المقال، ص ۲۷۵.

۱۱. طوائف المقال، ج ۱، ص ۵۵۶.

۱۲. الرواشح السماویة، ص ۶۴.

۱۳. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۷۵.

۱۴. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۳۶۶.

پس از گزارش این مطالب به غیاث بن ابراهیم دیگری اشاره می‌کند که به وضع و جعل حدیث مشهور بوده است^{۱۵} و در ادامه می‌افزاید که غیاث بن ابراهیم کذاب از علمای معروف عامه است و غیر از غیاث بن ابراهیم توثیق شده از سوی نجاشی و موجود در اسناد شیعی است.^{۱۶}

۱- ۲. غیاث بن ابراهیم در کتاب‌های رجالی اهل سنت

رجال شناسان اهل سنت غیاث بن ابراهیم نخعی، اهل بصره و وابسته به مکتب کوفه را کذاب و جاعل حدیث معرفی می‌کنند.^{۱۷} و نیز گفته‌اند که او احادیثی را به افراد ثقه نسبت داده و روایات مبهم و مشکل‌دار را از راویان معتبر نقل می‌کرده است.^{۱۸} ابوسفیان عمری نیز دربارهٔ تدلیس غیاث بن ابراهیم در سماع می‌گوید: «غیاث همهٔ کتاب‌های مرا با نقل از معمر رونویسی می‌کرد، سپس آنها را در کتاب‌های خودش جای می‌داد؛ در حالی که هرگز آنها را از من نشنیده بود».^{۱۹} با توجه به این اوصاف رجالیون بر ترک و کنار نهادن احادیث و روایات غیاث تأکید کرده^{۲۰} و در این باره، عبارت «ذهب حدیثه» را به کار برده‌اند.^{۲۱} از این رو کتابت و نگارش احادیث غیاث را جایز ندانسته‌اند مگر برای پندآموزی و یادآوری.^{۲۲ ۲۳}

ضعف و شهرت غیاث به دروغ‌گویی و حدیث سازی به گونه‌ای بوده که راویان معاصرش آشکارا از او حدیث اخذ و نقل نمی‌کرده‌اند. چنان‌که مشهور است، خارجه بن مصعب خراسانی در روایاتش از غیاث بن ابراهیم بر نام وی تدلیس می‌کرده است^{۲۴} چندان که احادیث خارجه را نیز کنار نهادند.^{۲۵}

۱۵. دربارهٔ جعل و ضعف احادیث غیاث بن ابراهیم ماجراهای بسیاری نقل کرده‌اند: از جمله گفته‌اند وی بر مهدی، خلیفهٔ عباسی - که به کیوتربازی علاقه خاصی داشته - وارد می‌شود. خلیفه از غیاث تقاضای سخن و حدیثی از پیامبر ﷺ می‌کند و غیاث این حدیث پیامبر ﷺ را که «شرط بندی جایز نیست، مگر در شترسواری، اسب سواری یا تیراندازی»، با افزودن عبارت «أو جناح» (پرنده‌بازی) بیان می‌کند و پادشاه می‌گیرد. خلیفه، بعد از خروج غیاث خود، شهادت بر کذب و دروغ بودن این روایت می‌دهد. (ر.ک: الزهابة، ص ۱۰۳؛ تذکرة الموضوعات، ص ۱۵۴). اصل این روایت را ابوهریره از پیامبر ﷺ نقل کرده است (السنن، ابوداود سجستانی، ج ۱، ص ۵۸).

۱۶. ر.ک: معجم رجال الحديث، ج ۱۴، ص ۲۵۱، ش ۹۱۱۱.

۱۷. آن‌گونه که نقل است، اگر کلاغی بالای سرش پرواز می‌کرد، به سرعت، حدیثی در این باره نقل می‌کرد (البرجح و التمدیل، ج ۷، ص ۵۷؛ نیز ر.ک: تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۳۲۳).

۱۸. کتاب المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین، ص ۸۰.

۱۹. تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۳۲۳.

۲۰. ر.ک: تاریخ الکبیر، ج ۷، ص ۱۰۹؛ کتاب الضعفاء والمتروکین، ص ۲۲۶.

۲۱. یعنی احادیث وی باطل و بی‌بهره است؛ زیرا حدیث صحیح غیاث از غیر صحیح آن شناخته نمی‌شود (تاریخ الصغیر، ج ۲، ص ۱۷۹).

۲۲. کتاب المجروحین، ص ۸۰.

۲۳. دارقطنی حدیث «مهر کمتر از ده درهم جایز نیست» را - که منسوب به امام علی ع است - القای غیاث بن ابراهیم به داود اودی می‌داند که پس از آن این عبارت حدیث شمرده شد (الصلل الواردة فی الأحادیث النبویة، ج ۸، ص ۳۲۱). این روایت در هبل الشرائع (ج ۲، ص ۵۰۱) به نقل ابوالبختری وهب بن وهب از امام صادق ع گزارش شده است.

۲۴. تاریخ الصغیر، ج ۲، ص ۱۷۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۶۸.

۲۵. الطبقات، ج ۷، ص ۳۷۱.

۱-۳. پرسش‌ها

اینک پس از گزارش آرا و نظریات رجالیان هر دو مکتب درباره این راوی، این پرسش‌ها مطرح است:

- آیا راوی مشهور به کذب در سند احادیث شیعه حضور دارد؟
- آیا نسبت بُتری به غیاث بن ابراهیم صحیح است و او بر اعتقاد زیدیه بوده‌است؟
- آیا غیاث بن ابراهیم نخعی کذاب، همان غیاث بن ابراهیم تمیمی ثقه است؟

۲. پاسخ به پرسش‌ها

۲-۱. غیاث بن ابراهیم کذاب در روایات شیعه

نشانه‌هایی وجود دارد که حاکی از حضور غیاث بن ابراهیم کذاب در سند روایات شیعه است.

۲-۱-۱. شیخ مفید روایتی را با این سند می‌آورد:

اخبرني ابو غالب احمد بن محمد قال: حدثنا ابو طاهر محمد بن سليمان الزراري، قال: حدثنا محمد بن الحسين، عن محمد بن يحيى، عن غياث بن ابراهيم قال: حدثنا خارجة بن مصعب، عن محمد بن ابي عمير العبدى، قال: قال امير المؤمنين علي عليه السلام...»^{۲۶}

در این سند این نکات به چشم می‌خورند:

الف. خارجة بن مصعب یاد شده در این سند، همان راوی متهم به تدلیس روایات غیاث بن ابراهیم کذاب در اهل سنت است.^{۲۷}

ب. در اینجا راوی غیاث بن ابراهیم محمد بن یحیی است. با مقایسه این سند با سند مشابه آن - که عنوان راویان را کامل‌تر ارائه کرده است -^{۲۸} به این نتیجه می‌رسیم که وی همان محمد بن یحیی خزاز، راوی کتاب غیاث بن ابراهیم، در طریق شیخ است.

ج. با دقت در این سند در می‌یابیم که راویان واسطه میان شیخ مفید تا غیاث شیعه هستند^{۲۹} و راویان واقع میان غیاث تا معصوم^{۳۰} نیز از اهل سنت‌اند.

سند این روایت به خوبی نشان می‌دهد که روایات غیاث بن ابراهیم متهم به کذب و مصعب بن خارجة تضعیف شده، به واسطه محمد بن یحیی خزاز در سند روایات شیعی داخل شده‌اند.

۲-۱-۲. معمولاً راویان اهل سنت هنگام اخذ حدیث از امامان معصوم شیعه^{۳۱}، روایاتی را

۲۶. الامالی، شیخ مفید، ص ۶۶.

۲۷. این راوی در کتب رجال شیعه وصفی ندارد و مجهول است. شیخ از وی در زمرة اصحاب امام علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام یاد می‌کند (الرجال، ص ۶۳، ش ۵۵۲، ص ۲۰۰، ش ۲۵۳۶).

۲۸. الامالی، ص ۲۱۱.

۲۹. ابو غالب زراری (م ۳۶۸ق) و ابو طاهر زراری (م ۳۰۱ق) هر دو از مؤلفان شیعه هستند (ر.ک: رجال النجاشی، ص ۸۳، ش ۲۰۱، ص ۳۴۷، ش ۹۳۷) محمد بن الحسین بن ابی الخطاب نیز توثیق شده است (همان، ص ۳۳۴، ش ۸۹۷).

۳۰. قابل ذکر است که محمد بن ابی عمیر عبدی راوی ای مهمل است.

گزینش می‌کنند که به پیامبر ﷺ یا علی ﷺ برسند؛ زیرا با آن‌که امامان شیعی نزد اهل سنت مورد احترام هستند - چنان‌که به امام صادق ﷺ لقب العالم داده‌اند و بزرگان اهل سنت کوشیده‌اند خود را به شاگردی این امام منسوب کنند - تنها در صورتی که ائمه ﷺ سخن را با سند تا پیامبر ﷺ یا صحابی برسانند، سخنشان نزد اهل سنت دارای حجیت است و نقل می‌شود. ^{۳۱} غیاث بن ابراهیم - که به گفته خوبی در سند بسیاری از روایات کتب اربعه (تا ۱۸۱ مورد) از وی نام برده شده است ^{۳۲} و فقط از ابو عبدالله الصادق ﷺ روایت دارد - در بیشتر منقولاتش سند را به پیامبر ﷺ یا علی ﷺ می‌رساند. این قرینه نشان می‌دهد که غیاث بن ابراهیم موجود در سندهای شیعی به باورهای اهل سنت اعتقاد داشته است.

۲- ۱ - ۳. رجالیان شیعه و اهل سنت، هر دو، غیاث بن ابراهیم را کوفی یا وابسته به مکتب کوفه و راوی و ناقل از اهل عراق معرفی می‌کنند. همان گونه که مشهور است، عراق وبه ویژه کوفه از پایگاه‌ها و مکاتب حدیثی شیعه محسوب می‌شوند. با علم به این نکته، این احتمال مطرح می‌شود که غیاث از روایان شیعه حدیث اخذ کرده یا در مجالس حدیثی شیعه حضور داشته است و بعید نیست روایانی از شیعه نیز از احادیث یا کتاب‌ها و مکتوبات وی بهره برده باشند.

۲- ۲. اعتقاد به بتریه

قراین و دلایلی برای وجود غیاث بن ابراهیم کذاب در سند روایات شیعی ذکر شد، اما این پرسش نیز مطرح است که او با وجود آوازه دروغ‌گویی و جعل حدیث، چگونه در اسناد شیعی نفوذ کرده است؟ پاسخ در نوع نگرش و عقاید مذهبی غیاث است؛ عقایدی که وی را به هر دو فرقه نزدیک می‌کند و سبب می‌شود در مجالس هر دو گروه حاضر شود و از مشایخ اهل سنت حدیث فرا بگیرد و بنویسد؛ هرچند متهم به کذب و جعل حدیث می‌شود و در مجالس شیعه از احادیث غیاث از جعفر بن محمد الصادق ﷺ و علی ﷺ استقبال شود.

۲- ۲- ۱. تصریح شیخ طوسی

اشاره شد که شیخ طوسی وی را از پیروان بتریه معرفی می‌کند. پیروان فرقه بتریه هم با اعتقادات اهل سنت اشتراکاتی دارند و هم با اعتقادات شیعه، و به سبب همین اشتراکات در مجالس و محافل هر دو گروه حاضر شده‌اند و در تعامل حدیثی بوده‌اند. اعتقاد به برتری علی ﷺ بعد از پیامبر ﷺ نزد بتریه بسیار پررنگ شده تا جایی که گاه اندکی به غلو گراییده است. این رویکرد در غالب روایات غیاث بن ابراهیم، به جز احادیث مربوط به زنان و نیز خوراکی‌ها - که به فضایل علی ﷺ اختصاص

۳۱. در تأیید این نکته نمونه‌های بسیاری یافت می‌شود. ابوالبختری وهب بن وهب قاضی عامی مذهبی که او نیز متهم به کذب است، در بیشتر نقلیانش که شیعیان از او روایت می‌کنند، چنین عمل کرده است.

۳۲. معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۴۷، ش ۹۲۹۸.

دارند- به خوبی مشهود است.

علاوه بر تصریح شیخ طوسی، موارد دیگری اثبات می‌کنند که غیاث بن ابراهیم بر این باور بوده است.

۲-۲-۲. اعتقاد خانوادگی

اشاره شده که حفص بن غیاث، کوفی و پسر عموی غیاث بن ابراهیم است.^{۳۳} از سوی دیگر، وی را در شمار بتری مذهبیان و راویانی از اهل سنت نام برده‌اند و در کتاب‌های رجالی شیعه به نام حفص بن غیاث عامی اشاره کرده‌اند.^{۳۴} دور از انتظار نیست که غیاث بن ابراهیم - که در همین خاندان بوده است - بر اعتقاد بتریه باشد.

۲-۲-۳. راویان غیاث

شیخ طوسی برای کتاب غیاث سه طریق ذکر می‌کند و از سه راوی کتاب او نام می‌برد. نجاشی نیز به یک طریق برای کتاب غیاث بن ابراهیم تمیمی اشاره دارد. ابتدا راویان طریق شیخ و پس از آن راویان طریق نجاشی بررسی و معرفی می‌شوند.

الف. محمد بن یحیی خزاز: نجاشی این راوی را توثیق می‌کند، اما به طبقه خزاز و این که از کدام امام روایت دارد، اشاره‌ای نمی‌کند.^{۳۵} در واقع، محمد بن یحیی خزاز از هیچ یک از ائمه علیهم‌السلام بی‌واسطه روایت نمی‌کند؛ با آن که هم طبقه یاران امام رضا علیه‌السلام و امام کاظم علیه‌السلام است، و چون از مکتب کوفه است، به احتمال زیاد با این دو معصوم علیهم‌السلام یا یاران و راویان ایشان ملاقات داشته است.

در کتاب‌های رجالی اهل سنت از «محمد بن یحیی السوسی الخزاز» نام برده می‌شود که از یحیی بن معین درباره وضعیت رجالی راوی‌ای به نام «سوید بن سعید» پرسیده است.^{۳۶}

ابن ماکولا نیز هنگامی که از راویان ملقب به خزاز نام می‌برد، از این راوی چنین یاد می‌کند:

ابوطالب محمد بن یحیی بن العطار الخزاز حدَّث عن محمد بن الحسين بن عبد الصمد الجعفی.^{۳۷}

درباره محمد بن یحیی اطلاعات دیگری ارائه نمی‌شود، اما همین اشارات نشان از حضور محمد بن یحیی در مجالس اهل سنت دارد. برای روشن شدن نوع اعتقادات محمد بن یحیی، اعتقادات نزدیکان وی را اعم از استاد و شاگرد بررسی می‌کنیم.

- طلحة بن زید استاد خزاز،^{۳۸} عامی و بتری مذهب^{۳۹} است که رجالیان اهل سنت روایات او را

۳۳. البحر و التصدیق، ج ۷، ص ۵۷.

۳۴. رجال الکشی، ج ۲، ص ۶۷۸، ش ۷۳۳.

۳۵. رجال النجاشی، ص ۳۵۹، ش ۹۶۴.

۳۶. ر.ک: سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۴۱۲.

۳۷. اکمال الکمال، ج ۲، ص ۱۸۵.

۳۸. برای نمونه ر.ک: کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۷۳؛ هلال الشرائع، ج ۲، ص ۳۲۰ و ۵۰۱.

۳۹. رجال النجاشی، ص ۲۰۷، ش ۵۵۰؛ رجال الطوسی، ص ۱۲۸، ش ۱۴۶۴.

نجاشی است. اسماعیل بن ابان در کتاب‌های رجالی شیعه مجهول است،^{۵۷} اما رجال شناسان اهل سنت او را توثیق می‌کنند.^{۵۸} اسماعیل بن ابان وراق استاد محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ق)، صاحب الصحیح است. همو استادش را صدوق و راستگو معرفی می‌کند.^{۵۹} اسماعیل وراق را از مکتب کوفه دانسته‌اند؛ به گونه‌ای که اصحاب این مکتب از او روایت می‌کرده‌اند.^{۶۰} افزون بر آن، درباره اعتقاد و تمایل این راوی به شیعه نیز گزارش‌هایی نقل شده است. به گفته ابراهیم بن یعقوب جوزجانی، مشهور به سعدی، اسماعیل بن ابان در اعتقادات خود از راه حق منحرف شده بود؛ هرچند در نقل روایت دروغ نمی‌گفت. در تحلیل سخن سعدی گفته شده که منظور او تشیعی است که اهل کوفه بدان اعتقاد داشتند.^{۶۱}

اینک به بررسی راویان اسماعیل بن ابان وراق در طریق نجاشی می‌پردازیم:

- جعفر المحمندی (زنده در ۳۳۲ق/۶۲) ^{۶۳}

او ابو عبدالله جعفر بن عبدالله بن جعفر محمدی، مشهور به رأس المدری (المذری) است که نسبش به محمد حنفیه می‌رسد. نجاشی با عباراتی همچون «یکی از بزرگان اصحاب ما»، «فقیه» و «موثق‌ترین مردم» در نقل حدیث او را می‌ستاید و می‌افزاید که وی از برادرش محمد روایت کرده است.^{۶۲} شیخ او را در شمار اصحاب امام صادق علیه السلام نام می‌برد^{۶۵} و در جایی دیگر می‌آورد: ابن عقده از جعفر محمدی روایت کرده و از او اجازه نامه‌ای نیز داشته است.^{۶۶} بجز بیان تصریح شیخ، روایت ابن عقده از جعفر محمدی را می‌توان در بسیاری از اسناد روایات شیعه ملاحظه کرد.^{۶۷}

۵۷. دو رجالی بزرگ شیعه نجاشی (رجال النجاشی، ص ۳۲، ش ۷۰) و شیخ طوسی (شیخ از دو اسماعیل بن ابان یاد می‌کند (الفهرست، ص ۵۱، ش ۴۰، ص ۵۲، ش ۲۴) به اسماعیل بن ابان (به صورت مطلق و بدون القاب و کنی) و طوقی برای کتاب او اشاره کرده‌اند.

۵۸. الکامل، ج ۱، ص ۳۱۰.

۵۹. تاریخ الصغير، ج ۲، ص ۳۰۸؛ تاریخ الكبير، ج ۱، ص ۳۲۷.

۶۰. الثقات، ج ۸، ص ۹۸.

۶۱. الکامل، ج ۱، ص ۳۱۰.

۶۲. به تصریح شیخ طوسی ابن عقده به سال ۳۳۲ق، از جعفر بن عبدالله محمدی حدیث شنیده است (الرجال، ص ۴۳).

۶۳. گفتنی است جعفر محمدی بجز نقل کتاب غیاث بن ابراهیم با واسطه اسماعیل بن ابان در مواردی نیز با واسطه یحیی بن هاشم غسانی (الأمثالی، مفید، ص ۸۹) السمسار (همان، ص ۱۶۷) از غیاث نقل کرده است. یحیی بن هاشم سمسار یکی از راویان اهل سنت است که او را به شدت تضعیف و متهم به کذب کرده‌اند (ر. ک: تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۱۶۹).

۶۴. الرجال، ص ۱۱۹، ش ۳۰۶.

۶۵. همان، ص ۱۷۵، ش ۲۰۶۳. گفتنی است شیخ تعبیر اسند عنه را درباره این راوی نیز به کار برده است.

۶۶. همان، ص ۴۳۱، ش ۶۱۸۱.

۶۷. برای نمونه ر. ک: الکافی، ج ۵، ص ۴؛ تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۱۲۳؛ الأمثالی، مفید، ص ۵۴ و ۳۰۱. نجاشی نیز بیش از شانزده بار نقل ابن عقده احمد بن محمد بن سعید از جعفر بن عبدالله محمدی را گزارش کرده است (ر. ک: رجال النجاشی، ص ۲۰، ۵۱، ۱۱۳، ۱۱۷ و ...).

به نظر می‌رسد این راوی بر اعتقاد یکی از فرقه‌های زیدیه باشد؛ زیرا افزون بر آن که ابن عقده جارودی مذهب شاگرد جعفر بوده و از او بسیار روایت کرده - چنان که ابن عقده تفسیر ابوالجارود را از جعفر محمدی نقل می‌کند -^{۶۸} برادر جعفر بن عبدالله، محمد بن عبدالله علوی - که ذکر شد به گفته نجاشی جعفر از او روایت کرده - نیز از زیدیه بوده است.^{۶۹}

هاحمد بن محمد بن زیاد: به نظر می‌رسد منظور از احمد بن محمد بن زیاد در طریق نجاشی، ابن عقده احمد بن محمد بن سعید بن عبدالرحمان بن زیاد بن عبدالله بن زیاد (م ۳۳۳ق) است؛ زیرا: - جعفر محمدی در بسیاری از اسناد رجال نجاشی قرار دارد و نجاشی نیز در همه موارد به واسطه ابن عقده طریق خود را به جعفر محمدی رسانده است.^{۷۰}

- افزون بر طریق نجاشی، در طریق شیخ طوسی به کتاب غیاث بن ابراهیم نیز ابن عقده با دو واسطه تا غیاث قرار دارد.

- راوی احمد بن محمد بن زیاد در طریق نجاشی به کتاب غیاث، یعنی احمد بن ابراهیم بن ابی‌رافع، در موارد دیگر از ابن عقده روایت کرده است.^{۷۱} وی همچنین در یکی دیگر از طرق نجاشی پس از ابن عقده قرار دارد.^{۷۲} از سوی دیگر، روایتی که ابن ابی‌رافع پس از احمد بن محمد بن زیاد در سند آن واقع شود، دیده نشد.

- ابن عقده با اسامی مختلف و متفاوتی همچون احمد بن محمد کوفی، احمد بن محمد بن سعید، احمد بن محمد همدانی، ابن سعید، ابوالعباس ابن عقده و... نقل روایت کرده است و بعید نیست که این بار با انتساب به زیاد، یکی از نیاکانش و با عنوان «احمد بن محمد بن زیاد» راوی جعفر محمدی باشد.

۲-۳. غیاث بن ابراهیم یاد شده در رجال النجاشی کیست؟

از بررسی راویان طریق نجاشی چنین به دست می‌آید که نجاشی راوی‌ای را معرفی می‌کند که یا از اهل سنت بوده یا ارتباط نزدیکی با مجالس و محدثان اهل سنت داشته است؛ زیرا راوی کتابش، اسماعیل بن ابان وراق یکی از راویان اهل سنت و استاد بخاری است. از سوی دیگر، گمانه‌زنی‌هایی درباره اعتقاد و تمایل اسماعیل به تشیع وجود دارد که این احتمال را به ذهن متبادر می‌کند و وی نیز همانند غیاث بن ابراهیم از گروه و فرقه‌ای همچون بتریه بوده که با هر دو مکتب ارتباط نزدیک داشته است؛ چنان که دو راوی پس از اسماعیل نیز از پیروان زیدیه هستند. از سوی دیگر، هر دو

۶۸. الفهرست، ص ۱۳۱.

۶۹. ر.ک: الأملی، مفید، ص ۱۱۷.

۷۰. تنها در یک مورد راوی جعفر، حسین بن محمد بن فرزدق است (رجال النجاشی، ص ۲۲۴).

۷۱. ر.ک: مصباح المنهج، ص ۷۵۹.

۷۲. رجال النجاشی، ص ۲۸۷.

مردود دانسته‌اند.^{۴۰}

- احمد بن محمد بن سیار از روایان خزاز،^{۴۱} کاتب خاندان طاهر، ضعیف و در مذهب فاسد است.^{۴۲} البته علت فساد مذهب وی روشن نیست.

از حضور دوگانه محمد بن یحیی خزاز در سند روایات اهل سنت و شیعه و نقل او از راوی بتری مذهب و نقل راوی فاسدالمذهب از او، بر می‌آید که وی دارای اشتراکات و تشابهات عقیدتی با بتریه بوده است و چه بسا از جرگه این گروه باشد.

ب. حسن بن علی اللؤلؤی: وی راوی دیگر کتاب غیاث است. این راوی مجهول است.^{۴۳} حسن بن علی لؤلؤی در سندهای اندکی اعم از شیعه یا اهل سنت نام برده شده است:

... حدثنا ابراهیم بن محمد الثقفی، قال: حدثنا الحسن بن علی اللؤلؤی، قال: حدثنا یحیی بن مغیره ...^{۴۴}

- ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی که نجاشی اطلاعات کاملی درباره اجداد وی و شهرهایی که او اقامت گزیده می‌دهد، در ابتدا زیدی مذهب بوده و سپس به مذهب امامیه گراییده است.^{۴۵}

... نا ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید، حدثنی الحسن بن علی الاشعری اللؤلؤی، حدثنی غیاث بن کلوب ابوالمثنی من کتابه، نا مطرف بن سمره بن جندب، عن ابيه قال: قال رسول الله ﷺ یوم غدیر خم من کنتم مولاة فعلی مولاة ...^{۴۶}

- راوی لؤلؤی در این سند، ابوالعباس احمد بن محمد ابن عقده، رجالی مشهور است که معروف به پیروی از فرقه جارودیه^{۴۷} است.^{۴۸}

- غیاث بن کلوب بن فئیس، استاد حسن لؤلؤی، در اسناد شیعه و اهل سنت حضور دارد؛ با این همه، وضعیت رجالی وی پوشیده است.^{۴۹} یکی از رجالیان معاصر با بررسی روایات غیاث بن کلوب

۴۰. تاریخ الکبیر، ج ۴، ص ۳۵۱.

۴۱. برای نمونه ر.ک: الفصائل، ص ۳۳۶.

۴۲. رجال النجاشی، ص ۸۰، ش ۱۹۲. وی می‌افزاید بسیاری کتب گوناگونی دارد و به برخی اشاره می‌کند.

۴۳. شیخ طریقی به کتاب وی ذکر می‌کند (الفهرست، ص ۱۰۳، ش ۱۹۲) و در جای دیگر او را «ابو محمد حسن بن علی الشعیری اللؤلؤی» می‌نامد (همان، ص ۲۴۴، ش ۷۲۳).

۴۴. الامالی، ص ۷۰.

۴۵. رجال النجاشی، ص ۱۷، ش ۱۹.

۴۶. تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۲۳۰.

۴۷. جارودیه یکی از سه فرقه زیدیه است. آنان را به ابوالجارود، زیاد بن منذر منسوب می‌دانند. برخی نیز معتقدند جارودیه خود به دو فرقه منشعب شده است؛ زیدیه که شیعه هستند و بتریه که تقدم مفضول بر فاضل (ابوبکر بر علی) را جایز شمردند (مجمع البحرین، ج ۱، ص ۳۶۰).

۴۸. نجاشی پس از اشاره به جارودی بودن این عقده می‌گوید: امامیه او را بزرگ داشتند؛ زیرا ابن عقده در مجالس آنها رفت و آمد داشت و مناسبات صمیمانه‌ای با اصحاب ما برقرار کرده بود. پس از آن نجاشی به تعداد زیادی از کتاب‌های ابن عقده - که امامیه نقل کرده‌اند - اشاره می‌کند (رجال النجاشی، ص ۹۴، ش ۲۳۳).

۴۹. نجاشی و شیخ طوسی طریقی را به کتاب وی ذکر می‌کنند، اما اطلاعات دیگری نمی‌دهند (همان، ص ۳۰۵، ش ۸۳۵؛ الفهرست،

چنین قضاوت می‌کند:

از روایات غیاث چنین بر می‌آید که وی از عامه یا زبیده باشد.^{۵۰}

- حسن بن علی لؤلؤی در سند روایت یکی از تفاسیر مأثور شیعه نیز قرار دارد^{۵۱} که «جعفر بن محمد الفزاری» راوی اوست. فزاری دروغگویی است که روایاتش ترک و کنار نهاده شده است. وی علاوه بر فساد در حدیث، در مذهب نیز فاسد است و از شیوخ ضعیف و مجهول روایت می‌کند. به قول ابن غضایری همه عیب و نقص‌های ضعفا در این راوی جمع است.^{۵۲}

ج. زیدان بن عمر: این فرد کتاب مقتل امیرالمؤمنین^{علیه السلام} را از غیاث بن ابراهیم روایت کرده است. او فردی مهمل است، زیرا حتی نام وی در کتب رجالی ثبت نشده است و تنها در برخی سندهای شیعه یا اهل سنت حضور دارد؛ از جمله در این سند:

قال حدثني أبي قال: نازيدان بن عمر البختری،^{۵۳} قال: غياث بن ابراهيم، عن الاجلح بن عبدالله كندی، قال: سمعت زید بن علی و عبدالله بن حسن و جعفر بن محمد و محمد عبدالله بن الحسن يذکرون تسمیة من شهّد مع علی بن ابي طالب من اصحاب رسول الله^{صلی الله علیه و آله} ...^{۵۴}

روایان این سند برای ذکر اسامی شهدایی از صحابه - که همراه علی^{علیه السلام} بودند - به سخن زید بن علی استناد می‌کنند. آنان برخی از فرزندان امام حسن و امام حسین^{علیهم السلام}، عبدالله بن حسن (احتمالاً پدر نفس زکیه)، جعفر بن محمد (احتمالاً امام صادق^{علیه السلام}) و محمد بن عبدالله بن حسن (احتمالاً نفس زکیه) را هم ردیف زید بن علی نام می‌برند. این از اعتقادات زبیده است که امامت را در هر یک از پسران فاطمه^{علیها السلام} که عالم، زاهد، شجاع و سخی باشد، اعم از فرزندان حسن^{علیه السلام} یا حسین^{علیه السلام}، جایز می‌دانند.

د. اسماعیل بن ابان ابواسحاق^{۵۵} و راق (م ۳۱۶ق)^{۵۶}: وی راوی کتاب غیاث بن ابراهیم در طریق

۵۰ ص ۱۹۷، ش ۵۶۱. نقل است که دارقطنی وی را تضعیف کرده و گفته است: «له نسخة عن مطرف بن سحره»، (میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۳۳۸).

۵۱ طرائف المقال، ج ۱، ص ۲۴۷.

۵۱ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۹۵.

۵۲ الرجال، ابن غضایری، ص ۴۸، ش ۲۷. نجاشی نیز پس از توضیح وضعیّت رجالی فزاری، از این که اساتید ثقه‌ای مثل ابرعلی بن همام و ابو غالب زراری از این راوی نقل می‌کنند، اظهار تعجب می‌کند (رجال النجاشی، ص ۱۲۳، ش ۳۱۳).

۵۳ در ضبط نام زیدان بن عمر اضطراب وجود دارد. «البختری»، «المبخری»، «زید بن عمر»، «زیدان بن عمرو» از ضبط‌های دیگر نام این راوی است.

۵۴ تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۱۷.

۵۵ یادآوری می‌شود که در طریق نجاشی نام این راوی «اسماعیل بن ابان بن اسحاق و راق» ضبط شده است که با توجه به دیگر کتاب‌ها و اسناد - که همگی «ابواسحاق» به جای «ابن اسحاق» گزارش کرده بودند - این ضبط برگزیده شد.

۵۶ گفتنی است راوی دیگری با نام اسماعیل بن ابان ابواسحاق غنوی الخياط (الخطاط) (م ۲۱۰ق) (رجال الطوموسی، ص ۱۶۷) در مکتب کوفه وجود داشته که به شدت تضعیف شده است (ر.ک: تاریخ الصغیر، ج ۲، ص ۳۰۸). با این همه، تصریح به لقب راق در طریق نجاشی قرینه‌ای است که نشان می‌دهد اسماعیل خياط نمی‌تواند راوی مورد نظر باشد.

راوی ثقة و کذاب اهل بصره و منتسب به مکتب کوفه معرفی می‌شوند.

۴. برآیند

با توجه به آنچه گفته شد، در پاسخ دو سوال اول می‌توان گفت که غیاث بن ابراهیم کذاب در سند احادیث شیعه حضور دارد و وی، همان‌طور که شیخ طوسی اشاره کرده، از پیروان زیدیه است؛ زیرا با بررسی روایان کتاب‌های غیاث بن ابراهیم - که از نظر مذهب و اعتقاد وضعیت پوشیده‌ای دارند و در عین حال، اغلب در سندهایی واقع می‌شوند که روایان زیدی مذهب از ایشان نقل می‌کنند - بتری بودن غیاث روشن شد. نیز مشخص شد که چگونه روایات و کتاب‌های غیاث بن ابراهیم متهم به کذب، به واسطه هم مسلکانش، زنجیره‌وار به افرادی همچون ابراهیم بن محمد ثقفی و ابن عقده جارودی مذهب رسیده که اقوال و کتاب‌های این دو - که طبق نظر نجاشی تعداد کتاب‌هایشان اندک هم نیست - با وجود انحرافات در عقیده، به جهت گرایش به امامیه یا ارتباط و مناسبات نزدیک با بزرگان امامیه و نیز وثاقت و جلالت مقام این دو راوی، در میان کتاب‌ها و احادیث شیعه رواج یافته است.

از سوی دیگر، دور از انتظار نیست که برخی روایان کتاب‌های غیاث بن ابراهیم غیر مستقیم از او نقل کرده باشند؛ یعنی به طریقی به کتاب‌های غیاث دست یافته و بدون این‌که از او سماع داشته باشند، با وجاده روایاتش را نقل کرده‌اند؛ چنان‌که در سند روایت شیخ مفید، طریق تحمل همه روایان سند با عبارت «قال حدثنا» مشخص می‌شود که نشان از سماع یا ملاقات هر راوی از راوی دیگر دارد. با این همه، نوع تحمل روایت محمد بن یحیی از غیاث بن ابراهیم (و نیز محمد بن حسین از محمد بن یحیی) معلوم نیست و فقط تعبیر گنگ «عن» بین دو راوی قرار می‌گیرد که معمولاً در طرق معنعن احتمال عدم ملاقات دو راوی زیاد است.^{۷۳}

در پاسخ سوال سوم نیز می‌توان گفت با توجه به قراین و شواهد، احتمالاً هر دو راوی دارای یک هویت هستند. چنانچه همسانی راوی کذاب و ثقة را بپذیریم، این پرسش مطرح می‌شود که نجاشی از چه روی غیاث بن ابراهیم مشهور به کذب را ثقة دانسته است؟ یکی از پاسخ‌هایی که به این پرسش می‌توان داد، توجه به این نکته است که نجاشی از کتاب رجالی ابن عقده بسیار بهره برده است. آمار تقریبی نشان می‌دهد که منقولات او از ابن عقده بسی بیش از ابن غضایری، استاد معروف نجاشی است.^{۷۴} مسلم است که نجاشی خود با غیاث بن ابراهیم ملاقات نداشته و متأثر از

۷۳. این نکته می‌تواند پاسخگویی این اشکال باشد که برخی با توجه به طرق شیخ به کتب غیاث، معتقدند که یکی از اشتباهات شیخ در الرجال، جای دادن غیاث بن ابراهیم در زمره یاران امام باقر علیه السلام و بتریه است؛ زیرا احمد برقی (م ۲۷۶ق) راوی محمد بن یحیی خزاز و حمید (م ۳۱۰ق) راوی حسن بن علی لؤلؤی، بعید است با یک واسطه از اصحاب امام باقر علیه السلام روایت نقل کنند (ر.ک: الفهرست، پاورقی ص ۱۹۶؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۵۱)، در حالی که در پاسخ می‌توان به احتمال ارسال سند توسط یکی از روایان یا دسترسی به کتب غیاث به صورت وجاده اشاره کرد.

۷۴. از ابن عقده تا بیش از ۱۵۰ مورد و از حسین بن عبدالله غضایری بین ۳۰ تا ۴۰ مورد در رجال نجاشی یاد می‌شود.

کتاب رجالی و گفته‌های ابن عقده زیدی مذهب - که ظاهراً به کتاب‌ها و احادیث غیاث دسترسی داشته - این راوی پر روایت را توثیق کرده است. البته روشن است که این نظریه قطعی و یقینی نیست و تنها بر اساس شواهد و قرینه‌های موجود مطرح می‌شود.

کتابنامه

- اكمال الكمال، علی بن هبةالله بن ماکولا، قاهره: دارالکتاب الاسلامی، بی‌تا.
- الامالی، شیخ مفید، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جماعة المدرسين فی حوزه العلمية، ۱۴۰۳ق.
- تاریخ بغداد، احمد بن علی خطیب بغدادی، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمية، ۱۴۱۷ق.
- تاریخ الصغير، محمد بن اسماعیل بخاری، تحقیق: محمود ابراهیم زاید، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۶ق.
- تاریخ الكبير، محمد بن اسماعیل بخاری، دیاربکر: مکتبه الاسلامیة، بی‌تا.
- تاریخ مدینه دمشق، علی بن حسن بن عساکر، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- تذکره الموضوعات محمد طاهر بن علی هندی فتنی، به کوشش: ابوعبدالکبیر محمد عبدالجلیل، بی‌تا، بی‌جا.
- تعلیقه علی منهج الرجال، وحید بهبهانی، بی‌جا، بی‌تا.
- التفسیر، علی بن ابراهیم قمی، تصحیح: سید طیب جزایری، قم: دارالکتاب، سوم، ۱۴۰۴ق.
- تنفیح المقال، عبدالله مامقانی، تهران: جهان، بی‌تا.
- تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، تحقیق: حسن خراسان، تصحیح: محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چهارم، ۱۳۶۵ش.
- تهذیب التهذیب احمد بن علی بن حجر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۴ق.
- الثقات، محمد بن جبان بُستی، حیدرآباد هند: مؤسسه الکتب الثقافیة، ۱۳۹۳ق.
- جامع الرواة محمدعلی اردبیلی، قم: مکتبه آیه‌الله مرعشی، ۱۴۰۳ق.
- الجرح والتعديل، عبدالرحمان بن محمد بن ابی حاتم رازی، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۳۷۳ق.
- الفخصال، شیخ صدوق، به کوشش: علی اکبر غفاری، قم: جماعة المدرسين فی حوزه العلمية، بی‌تا.
- خلاصة الاقوال، حسن بن یوسف علامه حلی، نجف: مطبعة حیدریة، دوم، ۱۳۸۱ق.
- الرجال، حسن بن علی بن داوود، نجف: مطبعة حیدریة، ۱۳۹۲ق.
- الرجال، احمد بن حسین بن غضایری، تحقیق: محمدرضا حسینی جلالی، قم: دارالحديث، ۱۴۲۲ق.
- الرجال، احمد بن محمد بن خالد برقی، تحقیق: جواد قیومی، قم: نشرالقیوم، ۱۴۱۹ق.
- الرجال، شیخ طوسی، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۵ق.

- الرجال، محمد بن عمر كشي، تحقيق: محمدباقر حسيني ميرداماد، مهدي رجائي، قم: مؤسسة آل البيت، ١٤٠٤ق.
- الرجال، احمد بن علي نجاشي، تحقيق: موسى شبيري زنجاني، قم: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين، هفتم، ١٤٢٢ق.
- الرعاية لحال البداية في علم الدراية، زين الدين بن علي شهيد ثاني، به كوشش: مركز الأبحاث والدراسات الاسلامية، قم: بوستان كتاب، ١٤٢٣ق.
- الروائح السماوية، محمدباقر ميرداماد، قم: مكتبة السيد المرعشي، ١٤٠٥ق.
- سنن ابي داود، ابوداود سليمان بن اشعث سجستاني، تحقيق: سعيد محمد اللحام، بيروت: دارالفكر، ١٤١٠ق.
- سير اعلام النبلاء، محمد ذهبى، به كوشش: شعيب ارنؤوط و صالح سم، بيروت: مؤسسة الرسالة، نهم، ١٤١٣ق.
- الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، بيروت: دارصادر، بي تا.
- طرائف المقال، على اصغر بروجردى جابلقى، تحقيق: مهدي رجائي، قم: مكتبة آية الله مرعشى، ١٤١٠ق.
- علل الشرائع، شيخ صدوق، نجف: مطبعة حيدرية، ١٣٨٦ق.
- العلل الواردة في الأحاديث النبوية، على بن عمر دارقطنى، تحقيق: محفوظ رحمان السلفى، رياض: دارطبيه، ١٤٠٥ق.
- الفهرست، شيخ طوسى، تحقيق: جواد قيومى، قم: نشرالفقاهة، دوم، ١٤٢٢ق.
- الكافي، محمد بن يعقوب كلينى، تحقيق: على اكبر غفارى، تهران: دارالكتب الاسلامية، دوم، ١٣٨٩ق.
- الكامل في ضعفاء الرجال، عبدالله بن عدى، تحقيق: سهيل زكار، بيروت: دارالفكر، سوم، ١٤٠٩ق.
- كتاب الضعفاء والمتروكين، احمد بن على نسائى، به كوشش: محمود ابراهيم زايد، بيروت: دارالمعرفة، ١٤٠٦ق.
- كتاب المجروحين من المحدثين والضعفاء والمتروكين، محمد بن جيان بُستى، به كوشش: محمود ابراهيم زايد، بي تا، بي جا.
- كتاب من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: جامعة المدرسين، دوم، ١٤٠٤ق.
- مجمع البحرين، فخرالدين طريحي، به كوشش: احمد حسيني، تهران: مكتب نشر الثقافة الاسلامية، دوم، ١٤٠٨ق.
- مصباح المتهجد، شيخ طوسى، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة، ١٤١١ق.

- معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة ابوالقاسم خویی، نجف: پنجم، ۱۴۱۳ق.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمدتقی نوری، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، دوم، ۱۴۰۸ق.
- میزان الاعتدال، محمد ذهبی، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۸۲ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی